

در این یکی دو روز مابعد سخنرانی ترامپ و بازگشت بحث خروج از برجام چقدر بیهوده است که بنشینیم و در مورد فوتبال مطلب بنویسیم!

در این روزگار، حتی گریه های سر خیابان هم دارند آخرین تحلیل های مفسران و محللان و کارشناسان و مشاوران و مباحثان از «ایران اسپیج مستر پرزیدنت نخراشیده نتراشیده» را می خوانند و به ترامپ فحش های چارواداری می دهند که دلشان خنک بشود بر سر قضیه قیمت دلار که وقتی یک سر سوزن هم بالا برود، قیمت گواشی ها و یخچال ها و ساندویچ فلافل هم بالامی کشد. حق دارند اگر این جماعت دلشان می خواهد فحش نخراشیده ای به دونالد بدهند. من هم داده ام. تازه دلتان بسوزد که فحش هایی که من دادم «اکستنشن» دقیق تر بود و اگر در حضور شخص شخیص پرزیدنت بیان می شد، احتمالا کمی بیشتر نامبرده را می سوزاند. بگذریم.

در چنین روزی، بیایم برای شما از چه بنویسیم؟ از سفر؟ از مهدی قائدی که تا دو روز به رویش خندیدند برای خود سفر هم شاخ شد؟ از عضو کمیته فنی استقلال که عین سرپرست شهرداری رشت برای خودش نامه نوشت و خودش را به عنوان دستیار سفر مطرح کرد؟ از اینکه سفر قرار بود به ایران بیاید و دو دستیار ایرانی قبول کند و دستیار خارجی نیارد و حالا دارد دستیار خارجی هم می آورد و دستیار ایرانی هم شاید به زور بشود یک دانه؟ در چنین شرایط بین المللی حساسی که کشورهای طرف امضا در برجام دارند جگر و خوش گوشت دونالد ترامپ را چنجه می کنند، شما انتظار دارید بنده برای شما از جاقوی تیز کاپیتان تراکتورسازی صحبت کنم که دست مدافع تیم را چنان خط انداخته که طرف را برده اند بیمارستان؟ انتظار شما از بنده نویسنده سراپا تقصیر که خدا زده پس کله اش و او را به حوزه ورزشی نویسی فرستاده دقیقا چیست؟ که موگرینی را بی خیالی طی کنم و از اکبر میثاقیان بنویسم که سومین باخت پی در پی خود را هم تجربه کرده و به زودی رتو که پتتو؟

جدا انتظار دارید بنده بیایم و بانو کلینتون را بی خیالی طی کنم و از دکتر حمید درخشان مطلب بنویسم که نتایجش در نفت به گونه ای است که به زودی علی کریمی را بر می گردانند سر جایش؟ این انصاف است که نویسنده با کمالاتی مثل بنده که دارد به هفتاد و سه روزنامه و مجله و ماهنامه و فصلنامه و سایت، در سی و هفت حوزه مطلب می دهد، اینجا وقتش را با نوشتن از شهرام و بهرام تلف کند؟

ول کنید آقا! بگذارید آن نکره بگوید خلیج فلان. برای تو فلان است مشتتی! برای ما خلیج فارس است. آدمش را هم داریم.

مرد حسابی! الان خبر آمده هشت تیم عربستانی به دلیل نپرداختن بدهی مجوز حرفه ای گری را از دست داده اند! آقای ترامپ! داداچ داری اشتباه می زنی! اینها اگر پول داشتند که پول بازیکن هایشان را می دادند. خام آن قرارداد چهارصد میلیاردی برای خرید اسلحه نشو. اینها قسط قسط و بواش بواش، به شیوه مدیران پرسپولیس که می خواستند بدهی های بین المللی شان را از دم قسط ماهی سه میلیون و هفتصد تمام کنند، این چهارصد میلیارد را با شما صاف می کنند. ما حساب کردیم حدودا هفتصد سال طول می کشد. تازه فردا که کنگره دبه کرد و پیچاندن برجام را بی خیالی طی کرد و عین قانون او با ما کر، پیغام داد که داداچ اشتباه زدی و خواسته شما قانونی نیست، آنوقت عربستانی ها پیغام می دهند که نمی شود! شما قول داده بودی این چهارصد میلیارد را بگیری و ایران را از سر ما باز کنی. الان قوی تر هم شدند چون

معلوم شد اجماع جهانی پشت ایران است!

می بینید خوانندگان دنیای ورزش؟ ۷ تیم عربستانی مجوز حرفه ای بودن را نگرفته اند بعد ما اینجا به باشگاه هایی که نه مالک دارند نه سهامدار نه باشگاه نه اساسنامه و کلا عین بچه یتیم ها دم در فدراسیون دارند گریه می کنند هم مجوز حرفه ای گری می دهیم! خیلی خوبیم ما.

هم ما خوبیم هم آهن فروش سابق خیابان سئول که هر روز با یک بحران جدید مواجه می شود که از صدقه سر سال های حضور خودش در سازمان لیگ است و مجوزهای کیلویی حرفه ای گری که برای باشگاه های بدهکار و بدون پول و ورشکسته صادر می کرد و حالا صدای ای اف سی در آمده که مرد حسابی! اینها که نان شب ندارند بخورند و باید به کمک سیم از داخل صندوق صدقات نان شبیشان را در بیاورند، چطوری مجوز حرفه ای گری گرفته اند؟

واقعا چطوری به اینها مجوز حرفه ای گری دادی برادر؟ جدا چطوری شد که باشگاهی مثل نفت تهران که از استانداردهای مدیریتی و حرفه ای گری، مدرک شیش قدیم هم ندارد، چگونه باید لایسنس حرفه ای گری دریافت کند؟ باشگاهی که مدیرعاملش در روزهای زوج با کریمی کار می کند و در روزهای فردا در خشان؟ از این برادرمان باید فقط یک سوال بکنیم. شما آهن ها را هم همین طوری می فروختی؟ طرف از شما آهن شماره ۱۸ می خواست برایش آهن شماره چهارده می فرستادی؟ پس چرا داری باشگاه بدهکار آبرو بر را تشویق می کنی که بدهکار بماند و به سومدیریت ادامه بده؟ چرا این کار را می کنی؟ چرا استقلال و پرسپولیس و دیگر باشگاه ها را تشویق می کنی به اینکه قانون و حساب کتاب را به بند کفششان هم حساب نکنند و با همین شیوه مدیریتی فاجعه ساز خودشان ادامه دهند؟

دستکم برای ما توضیح بده. بگذار بفهمیم که چه شد و چگونه شد که کار به جایی رسیده که در یک سمت آدمی مثل ترامپ می شود رییس جمهور؟ لاید در دنیایی که مجوزهای حرفه ای گری را اینگونه می گذارند در سینی خرما و خیرات می کنند، در آنسوی دنیا هم این تحفه می شود رییس جمهور دیگر. نمی دانم! آخر شب است. برای هفتاد و سه مجله در سی و هفت حوزه مطلب نوشته ام و مخم تعطیل است.

سلول های خاکستری که هیچ. در مغز من یک مثقال پوست خیار نمی توانید پیدا کنید که بشود از داخلش اندیشه ای تولید کرد و با همین حال، احتمالا اگر وضعیت مغزی ام را بخواهند با وضعیت مغزی مدیران و تصمیم گیرندگان فوتبال مقایسه کنند یکی از سه ذهن برتر لقب بگیرم! نه اینکه این جماعت تعطیل باشند. نه برادر من! ژن خوب که نمی آید برای فوتبال وقت بگذار. زنده باد بیژننس. حالا بین دو تا معامله یک وقتی هم بگذاریم برای فوتبال.

می بینی خواننده محترم دنیای ورزش؟ می بینی؟ در چنین شرایط حساسی که دونالد می خواهد کار را کش بدهد تا عربستان را بتیغد و مایه ها را بچاقد، من و شما باید بنشینیم در مورد چه چیزی با هم گپ بزیم؟ در مورد قلیان کشیدن بازیکنان پرسپولیس و حضور بازیکن استقلال در زمین تمرین این باشگاه در معیت دو قلاده سگ پدرسگ؟

کشور ما باید در این شرایط بین المللی هزار تا فشار به خودش بیاورد که یک نفتی بفرود و یک مایه ای از آن طرف بستاند و بیاورد اینجا بریزد توی شکم فوتبالبست ها؟ آنهم در این شرایط؟ می بینید خوانندگان عزیز؟ پول غذای سگ بازیکن نیمکت نشین را هم باید از نفت

بدهیم.

در چنین شرایطی واقعا انتظار دارید بنده برای شما چه بنویسم؟ واقعا دوست دارید در مورد چه چیزی برایتان مطلب بنویسم؟ در مورد گسترش فولاد که تیم را یکطوری بسته اند که احتمالا موری نیو هم بیاید نتواند تیم را جمع کند؟ و حالا نکته بامزه کار اینجاست که همین فیروز کریمی و هوشنگ نصیرزاده که اینطوری داداشی شده اند به مهر که تیم خود کنند آباد، ده سال پیش سر قصه نفت آبادان و راه آهن چه مصاحبه ها که علیه هم نکردند و چه آبروها که از هم نبردند! حالا به حکم اجبار همکار داداچی همدیگر شده اند و هر شب برای هم استیکرهای عشق می فرستند!

چقدر این فوتبال ایران موجود چرند و بیخودی است و چقدر ما بد اقبالیم که ناامان را باید در این فوتبال میل کنیم.

بگذریم. روسیاهی خلیج فارس هم می ماند به این ترامپ. من می مانم و شما و بودجه های نفتی برای سیر کردن شکم سگ های فوتبالبست جماعت و البته یک کاسه نان و ماست که نویسنده های حق التحریری همان را هم گیرشان نمی آید بخورند! این بوداشای ما!

